

عیسی پسر خدا

عنوان «پسر خدا» و معنی آن در قرن اول میلادی در سرزمین فلسطین چنانچه میدانیم، عنوان «پسر خدا» همواره باعث ایجاد سوء تفاهم در بین بسیاری از دوستان ما میشود. اکثراً وقتی آنها عنوان «پسر خدا» را میشنوند، فکر میکنند که کفر است. البته ما با این دوستان خود موافق هستیم که خدا نمی تواند جسماً پسر داشته باشد و یا خودش پسر باشد. خدا اولاد ندارد و نسل نمی آورد. عنوان «پسر خدا» به این معنی نیست که گویا خدا نسل می آورد، بلکه مفهوم بسیار عمیقتری دارد. سوال این است که این عنوان در زمان قبل از ظهور مسیح و در قرن اول میلادی در سرزمین فلسطین چه مفهومی داشت؟ در این مقاله کوتاه، میخواهیم در این باره کمی روشنی بی اندازیم. ما متوجه خواهیم شد که عنوان «پسر خدا» در بین مردم اسرائیل یک اصطلاح عام بود، همچنین برای همه ساکنان سرزمین شرق میانه، و آنها این را برای پادشاهان خود و اشخاص عالی مقام استفاده میکردند، همچنان اشخاص برجسته این لقب مخصوص را بخود میگرفتند.

پسر خدا - لقبی برای اسرائیل

در زمان موسی نبی، داود نبی و دیگر پیامبران قبل از عیسی مسیح، قوم اسرائیل یا بنی اسرائیل همچنان بنام «قوم خدا» و «فرزندان خدا» و یا بطور ساده «پسر خدا» نامیده میشد. در باره قوم اسرائیل، خدا به فرعون خطاب کرده فرمود: «بنی اسرائیل پسر اولباری من است ... پسر مرا آزاد کن تا بروم و مرا پرستش کند» (خروج ۴: ۲۲ - ۲۳). در کتاب ارمیا، قسمی خدا با اسرائیل صحبت میکند که گویا پسر او باشد: «یا محبت ازلی تو را دوست داشتم، بنابر این ترا با رحمت به سوی خود می کشانم. ای با کره اسرائیل، من دوباره ترا استوار و پایدار می سازم ... و من ایشان را رهبری می کنم. آن ها را کنار جویهای آب به راه راست و هموار هدایت می کنم تا نلغزند، زیرا من پدر اسرائیل هستم و افرایم پسر اول من است.» (ارمیا ۳۱: ۳ - ۴ و ۹) این اظهار، وابستگی عمیق و دوستانه خدا را با اسرائیل نشان میدهد. آیاتی زیادی در عهد عتیق هستند که اسرائیل را همچنون پسر خدا معرفی میکنند: (تثنیه ۱۴: ۱ و ۳۲: ۱۸، اشعیا ۴۳: ۶ و ۶۳: ۸، مزمو ۸۰: ۱۵، هوشع ۱۱: ۱) ما میدانیم که «پسر» خدا یا «فرزند» خدا، به این معنا نیست که قوم اسرائیل جسماً اولادهای خدا بودند. بلکه این نشان میداد که خدا با اسرائیل یک رابطه خاص داشت. خدا آنها را دوست داشت (آنها محبوب خدا بودند). آنها را فراخوانده بود تا از آن خدا باشند، باعث برکت تمام دنیا باشند و خادمین خدا برای سایر ملتها باشند. ولی اسرائیل ناکام ماند و از آغوش خدا دور شد. خدا از آنها خشنود نبود. اشعیا نبی از ظهور خادم حقیقی خدا سخن میگوید که نوری برای تمام دنیا خواهد بود. وقتی عیسی مسیح خدمت اش را شروع کرد، صدایی از آسمان شنیده شد که فرمود: «این است پسر عزیز من که از او خوش هستم، به او گوش دهید...» پس، به عیسی مسیح، عنوان «پسر خدا» داده شد. او خادم حقیقی خدا برای تمام دنیا است، هدیه خدا برای دنیا، شخص محبوب خدا برای دنیا.

پسر خدا - لقبی برای پادشاه

در قدم دوم، اصطلاح «پسر خدا» برای خانواده شاهی، مخصوصاً برای پادشاهان استفاده میشد. این مشابه است به لقب سایه خدا یا «ظل الله» که در قرون وسطی اسلامی برای سلاطین بکار میگرفتند. روشن است که کلمه «سایه» به معنای سایه واقعی یا جسمی خدا نیست، بلکه یک لقب خاص و الهی است. در دوران عهد عتیق، داود نبی به حیث بزرگترین پادشاه شناخته میشد. وقتی خدا او را به پادشاهی اسرائیل گماشت، به او فرمود: «من پادشاه برگزیده خود را در کوه مقدس خود سهیون بر تخت نشانده ام ... تو پسر من هستی امروز من پدر تو شده ام» (مزامیر ۲: ۶ - ۷) در مزمو ۸۹ میخوانیم که خدا چطور داود نبی را به پادشاهی اسرائیل تدهین میکند و میفرماید: «من نیز او را (یعنی داود) نخست زاده خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان» (مزامیر ۸۹: ۲۷) در نظر قوم اسرائیل، پادشاه ایشان از طرف خدا تعیین شده بود تا بر آنها حکومت نماید؛ به همین دلیل پادشاه «پسر خدا» خوانده میشد. امروز ما میدانیم که این آیات به مسیح اشاره میکردند، که نه تنها عنوان «پادشاه یهود» به او داده شده بود بلکه او حکمرمای تمام ملتهای جهان خواهد بود.

در اشعیا ۹: ۶ آن نبی از «پسر» سخن میگوید که بر تخت سلطنت داود خواهد نشست. صدها سال بعد، نتانیل (یکی از شاگردان عیسی)، وقتی عیسی را برای اولین بار دید، و از رسالت خاص او آگاه شد، گفت: «ای استاد، تو پسر خدا هستی! تو پادشاه اسرائیل می باشی» (یوحنا ۱: ۴۹). هر دوی این عنوانها برای مسیح بودند که می بایست بیاید و بر تمام ملتها حکمرایی نماید. وقتی جبرائیل فرشته با مریم سخن گفت، فرمود که این طفل نوزاد بر تخت سلطنت داود حکمرمایی خواهد کرد، و به «پسر خدای متعال» ملقب خواهد شد. حکمرما، پادشاه، پسر داود، پسر خدا - اینها عنوانهای بودند برای حکمرمایان برگزیده خدا استعمال میشدند، که حالا به عیسی مسیح تعلق دارد. در قرن اول میلادی، امپراتوری روم بر اکثر کشورهای شرق میانه حکومت میکرد. قیصر روم فکر میکرد که او از سوی خدا مقرر شده است. روی بعضی از سکه های رومی که در آن، تصویر قیصر حک شده بود، «پسر خدا» نوشته شده بود. صاحب منصب رومی که مسؤول مصلوب کردن عیسی بود، وقتی دید که با مرگ مسیح چه واقعه رخ داد، گفت: «بدون شك این مرد پسر خدا بود» (متی ۲۷: ۵۴). بر عکس حکمرمایان ظالم رومی، عیسی مسیح واقعاً یک پادشاه عادل و الهی بود.

پسر خدا - لقبی برای مسیح

در قسمت های زیادی از عهد جدید، لقب «پسر خدا» مترادف است با واژه مسیح. وقتی عیسی از شاگردانش پرسید که چه فکر میکنند که او کی است، پطرس گفت: «تو مسیح، پسر خدا هستی» (متی ۱۶: ۱۶). عیسی ایمان پطرس را تأیید کرد و به آنها هشدار داد به هیچ کسی نگویند که او مسیح است. جالب است که لوقا و مرقس عین حرف را در روایات خود نقل میکنند: «تو مسیح هستی» (مرقس ۸، ۲۹: لوقا ۹، ۲۰).

وقتی عیسی بیماران زیادی را شفا میداد و ارواح ناپاک را از مردم بیرون میکرد، آن ارواح فریاد میکردند: «تو پسر خدا هستی» (لوقا ۴: ۴۱). اما عیسی آنها را سرزنش میکرد چون هویت او را افشاء میکردند، زیرا آنها میدانستند که او مسیح است. وقتی پولس به عیسی ایمان آورد، موعظه اش را با بیان اینکه عیسی پسر خدا است، آغاز کرد. «پولس بطور آشکار اعلام می کرد که عیسی، پسر خداست»

و یهودیان را با دلایل انکار ناپذیر قانع می ساخت که عیسی، مسیح وعده شده است» (اعمال ۹: ۲۰ - ۲۲) اینها صرف چند آیات بودند که نشان میدهند عنوان «پسر خدا» برای «مسیح» استفاده شده است. به عباره دیگر، «پسر خدا» عنوانی است برای آن شخصی که از سوی خدا برای برقراری پادشاهی و حکومت خدا تعیین شده است.

پسر خدا - لقبی برای ایمانداران مسیح

یکی از حقایق بزرگ در انجیل مقدس این است که هر کسیکه از مسیح پیروی میکند، میتواند فرزند پدر آسمانی شود. مسیح نزد مردم خود (اسرائیل) آمد، ولی آنها او را به حیث مسیح خدا قبول نکردند... «اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی و نه در اثر خواهش بشر بلکه از خدا تولد یافتند» (یوحنا ۱: ۱۲ - ۱۳). به اینگونه خدا پیروان مسیح را به فرزند میگیرد. چونکه مسیح، یگانه برگزیده و محبوب خدا است (یعنی پسر خدا)، پس هر کسی که او را قبول میکند، به خانواده خدا می پیوندد. به این ترتیب ما فرزندان خدا میشویم، و خدا را پدر آسمانی خود خطاب میکنیم.

پسر خدا - لقبی برای ذات الهی

«پسر خدا» یک مفهوم عمیقتری هم دارد که نیازمند بحث وسیع میباشد، و در چوکات این مقاله نمی گنجد. ولی میتوانیم آن را با عبارت «کلمت الله» توضیح دهیم. کلام خدا از ازل وجود داشت. او با خدا بود. او خدا بود. کلام جسم گشت و در میان ما جای گرفت. «کسی هرگز خدا را ندیده است، اما آن پسر یگانه ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است.» (یوحنا ۱: ۱۸) مسیح با پدر یکی است، زیرا همان ماهیت یا سرشتی را دارد که خدای پدر هم دارد. هرچه پدر میتواند و میکند، مسیح هم میکند، هرچه پدر میگوید مسیح هم میگوید، او در پدر است و پدر در او است. او نه تنها «مسیح خدا» بود، بلکه دارای الوهیت بود، با اختیار کامل الهی (متی ۲۸). در تثلیث، خدا خود را صورت پدر، پسر و روح القدس آشکار میسازد. رابطه بی نظیر عیسی با خدا و آنچه را که عیسی در باره خود و پدر آسمانی اش به آنها میگفت، برای مردم اسرائیل یک مطلب کاملاً نو بود. آنها قبلاً هرگز چنین چیزی را در باره خدا نشنیده بودند. عیسی به آنها میگفت که اگر میخواهند خدا را بشناسند، پس باید از خود عیسی پیروی کنند، به او گوش دهند و به اعمال او بنگرند. عیسی تصویر کامل از خدا است.